

در تنگه تهران سرگرم غنیمت نشوید!



جنگ تمام شده و سپاه مدینه (مسلمانان) پیروز شده بود. بخشی از نیروها این پیروزی را وضعیتی پایدار تصور کردند و به طمع غنیمت، محل مأموریت خود را ترک کردند. سپاه مکه (مشرکان) از این سرگرم شدن مسلمانان به غنائم سوءاستفاده کرد و از تنگه احد به مسلمانان کمین زد. این گزنه بود که ورق پیروزی برای مسلمانان برگشت. جنگ اسرائیل با ایران در ۲ تیر ۱۴۰۴ تمام نشد، بلکه حملات دوجانبه صرفاً متوقف شد، تا ببینیم در آینده چه می‌شود! این «چه می‌شود» می‌تواند شامل هر گزینه‌ای باشد. یعنی هر کس کمی تاقسمتی با دنیای سیاست آشنا باشد، می‌تواند درک کند که فضای موجود، صلح که هیچ، حتی از یک آتش بس موقتاً پایدار هم چقدر دور است. بله، ماهمین قدر در فضایی از جنس «همه چیز ممکن است» قرار داریم و چشم انداز آینده می‌تواند هر سناریویی را در خود جای دهد. در چنین شرایطی سرگرم شدن و اصالت دادن به جدل‌های سیاسی مبتذل ذیل نواخته‌شدن مارش پیروزی، می‌تواند فرصت را برای کمین دشمن آماده‌کند. این مشغولیت وقتی رنگ و بوی مطالبات جناحی می‌گیرد، می‌توان نام آن را رفتن پی غنائم و «سهم خواهی» دانست. هنوز آوار موشک‌های صهیونیستی از شهر جمع نشده که یک جریان مشکوک مجازی دنبال برجسته‌سازی رئیس‌جمهور سابق برای نشستن بر کرسی رهبری می‌افتد؛ آن‌هم در حالی که ایران باید یکپارچه علیه تهدید جان رهبر از سوی اسرائیل و آمریکا موضع می‌گرفت. از سویی دیگر، برخی به شکلی مبالغه‌آمیز و بی‌آنکه هیچ اطلاع یا تخصص امنیتی خاصی داشته باشند، تئوری پرداز نفوذ می‌شوند و دامنه کشفیات بی‌سند و مدرک خود را به همه بخش‌های نظام توسعه می‌دهند. تندروهای سیاسی در هر جریانی تلاش می‌کنند نفوذ را به جناح مقابل نسبت دهند. یک سو نتیجه توجesh به نفوذ را با تلاش برای به‌کارگیری کلیدواژه «کودتا» به جای «جنگ ترکیبی» پیش می‌برد و صحبت از عدم کفایت رئیس‌جمهور و استعفای رئیس قوه مجریه را پیش می‌کشد و به وضوح آب در آسیاب دشمن می‌ریزد. سویی دیگر قصه‌های تخیلی از نفوذ میان انقلابی‌ها می‌سازد و مغز مخاطب را مشوش می‌کند. البته که این هر دو سو، در واقع - و لابد ناخودآگاه - از سنگینی بار گناه اسرائیل در تجاوز به ایران کم می‌کنند و بخشی از این گناه را به دوش رقیب سیاسی می‌اندازند. فقط برای آنکه جدل سیاسی‌شان را پیش برده باشند!

سهم برخی هم در این میان پیگیری مطالبات سیاسی خودشان است؛ زندانیان سیاسی را آزاد کنید، رفاندهم بگذارید، تغییرات سیاسی ایجاد کنید و... گویی میهن دوستی آن‌ها و دفاع سیاسی‌شان از وطن، برای آن‌ها حقی مضاعف ایجاد می‌کند که در ازای آن مطالبه‌ای کنند؛ نامش را هم می‌گذارند، مطالبات مردم و عنوان می‌کنند که مردم در جنگ خودشان را نشان دادند و حال‌نوبت حاکمیت است؛ گویی حاکمیت صرفاً مشغول تماشای جنگ بوده است! بهمانند که آن‌ها نماینده مردم هم نیستند. از سویی، مگر دفاع از وطن در برابر تجاوز خارجی وظیفه تک‌تک ما نبود؟ آیا قرار است این وظیفه را به قیمت مطالبات سیاسی مان به مردم و حاکمیت بفروشیم؟!

ادامه در صفحه ۷

فرهنگیان: جهش ارز در بزرگراه‌های مختلف را بررسی می‌کند



چه خطاهای شناختی ای نسبت به رژیم داریم؟

ساده‌سازی در فهم اسرائیل ممنوع

۲



نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم

شکست تجاری نسل جدید انیمیشن‌های دیزنی

انیمیشن تازه پیکسار ۲۰ برابر کمتر از رقیب چینی اش در افتتاحیه فروخته است

۱۳

تلاشی برای واکاوی ایده‌های دکتر طهرانچی در ۷ سال مدیریت دانشگاه آزاد

مدیریت آموزش عالی مهم‌تر از شکافت هسته‌ایم

۵۴

طراح: آرش مروجی افریختگان